



سیمای زن در رمان شوهر آهو خانم اثر علی محمد افغانی در تطبیق با جایگاه زن در نقاشی‌های نسخه مصور هزار و یک شب

توران رزمجو^۱ ID، عبدالحسین فرزاد^۲ ID*، فرهاد طهماسبی^۳ ID، رقیه صدراپی^۴ ID

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. razmjoo2020@yahoo.com

^۲ (نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. farzad2021@yahoo.com

^۳ دکتری تخصصی، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. farhad.tahmasbi@yahoo.com

^۴ دکتری تخصصی، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. faridesadraie@yahoo.com

چکیده

فرهنگ و تمدن هر کشور را می‌توان از طریق ادبیات و هنر آن کشور شناخت؛ به عبارتی، ادبیات و هنر همچون آینه‌ای است که فرهنگ و تمدن هر کشور را در خود منعکس می‌کند. ایران از جمله کشورهایی است که رمان‌نویسی در آن به شکل گسترده‌ای جریان دارد و نویسندگان آن تحت تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به نوشتن رمان پرداخته‌اند. علی محمد افغانی از جمله نویسندگانی است که با مطالعه آثار او می‌توان به چگونگی جایگاه زن در جامعه ایران پی برد. از سوی دیگر، در آثار هنری این دوره مانند هنر نقاشی نیز می‌توان به درک روشنی از سیمای زن در جامعه دست یافت. نسخه مصور هزار و یک شب از جمله آثار است که به زنان نیز پرداخته است لذا در پژوهش حاضر سیمای زن در رمان شوهر آهو خانم و نقاشی‌های نسخه مصور هزار و یک شب بررسی می‌شود. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی با رویکرد مقایسه‌ای است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که زن از در این دوره از جایگاه مناسبی برخوردار نیست و در تلاش برای تجدد و احقاق حقوق خویش است.

اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی سیمای زن در رمان شوهر آهو خانم از علی محمد افغانی

۲. بررسی تطبیقی سیمای زن در رمان شوهر آهو خانم و نقاشی‌های نسخه مصور هزار و یک شب.

سؤالات پژوهش:

۱. براساس داده‌های رمان شوهر آهو خانم از علی محمد افغانی زنان دارای چه وضعیتی در جامعه بوده‌اند؟

۲. سیمای زن در رمان شوهر آهو خانم چه شباهت و تفاوت‌هایی با سیمای زن در نقاشی‌های نسخه مصور هزار و یک شب دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۵

دوره ۱۹

صفحه ۲۲۷ الی ۲۳۸

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۶/۰۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

شوهر آهو خانم،

علی محمد افغانی،

سیمای زن،

نسخه مصور هزار و یک شب.

ارجاع به این مقاله

رزمجو، توران، فرزاد، عبدالحسین، طهماسبی، فرهاد، صدراپی، رقیه. (۱۴۰۱). سیمای زن در رمان شوهر آهو خانم اثر علی محمد افغانی در تطبیق با جایگاه زن در نقاشی‌های نسخه مصور هزار و یکشب. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۵)، ۲۳۸-۲۲۷.



dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.45.16.0



dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.248591.1348

مقدمه

علی محمد افغانی نویسنده رمان «شوهر آهو خانم» با تسلط و چیرگی کامل و با استفاده از صنایع ادبی خصوصاً تشبیه و استعاره، توانسته وضعیت اجتماعی مردم را در دوره خود به تصویر بکشد. این رمان که بهترین و مؤثرترین رمان علی محمد افغانی است به بیان زندگی مردم طبقه متوسط و شرح مشکلات آن‌ها پرداخته است. این اثر به شیوه رمان‌های رئالیستی قرن نوزدهم نوشته شده است. در این رمان که جایزه بهترین رمان سال را به خود اختصاص داده است، آیین چند همسری مورد نکوهش قرار گرفته و زندگی زنان طبقات پایین جامعه را در سال ۱۳۱۳ در کرمانشاه به تصویر کشیده است. نویسنده، این رمان رئالیستی را با سرمایه خود در دو هزار صفحه منتشر کرد. نویسنده در رمان شوهر آهو خانم از ظلم و ستمی که جامعه نسبت به زنان روا داشته است، حکایت می‌کند. تفکرات مردسالاری در سراسر داستان، حکایت از ظلم و ستمی است که نسبت به زنان روا می‌دارند، زانی که نمی‌توانستند در اجتماع حضور چندانی داشته باشند و تمام هم و غم زندگیشان به چهار دیواری خانه و خدمت به اعضای خانواده خلاصه می‌شد.

در مقدمه کتاب شوهر آهو خانم، نظر دکتر محمد علی اسلامی ندوشن درباره این کتاب چنین بیان شده است. اگر صادق هدایت را استثنا کنیم، دیگر هیچ‌کس را نخواهیم یافت که با آن همه استادی و لطف، مثال‌ها و کنایه‌های فارسی را به کار برده باشد. شوهر آهو خانم خزانه‌ای است از تمثیل‌ها و لطیفه‌ها و اشاره‌های مذهبی و اساطیری و تاریخی، آنچه مایه تحسین و اعجاب است، نه احاطه او بر این نکات بلکه، طرز گنجاندن و به‌کار بردن آنهاست. شوهر آهو خانم بدون گفتگو در زبان فارسی شاهکاری است (افغانی، ۱۳۷۲: ۸).

سیروس پرهام نیز رمان شوهر آهو خانم را دائره‌المعارف بزرگی می‌داند که صدها حادثه حقیقی در آن به تصویر کشیده شده است؛ حوادثی که از دوران خاصی پرده برداشته و خصوصیات جامعه آن دوران را منعکس ساخته است. شوهر آهو خانم آئینه تمام‌نمای اجتماع ما و به حقیقت اثر عظیمی است از زندگی دورانی که به شتاب سپری می‌شود. هنر اصلی نویسنده در نحوه نگارش داستان و حتی در تعبیرات بکر و بی‌شمار و توصیف‌های گویای او نیست؛ هنر بزرگ وی این است که با آفریدن ده‌ها انسان حقیقی و به‌جنبش درآوردن صدها حادثه واقعی، از یک دوران خاص اجتماعی پرده بر گرفته و سیر واقعی آن با همه زیر و بم‌ها و سایه روشن‌هایش پدیدار شده است. نکته حائز اهمیت دیگر که در این رمان به چشم می‌خورد، بیان افکار دو زن است که هر کدام دیدگاه متفاوتی دارند. آهو نمونه زنی خانه‌دار و تو سری خور است که در چهار دیواری خانه محصور است و بدون اجازه همسرش از خانه بیرون نمی‌رود؛ همان نیز نمونه زنی متجدد و آزادی‌خواه است که خصوصاً "با مسئله کشف حجاب، خواهان آزادی بیشتری است و این آزادی او را به سمت بوالهوسی و بی‌بندوباری می‌کشد. نویسنده که در این کتاب به حقوق ازدست‌رفته زنان ایرانی اشاره می‌کند، مسئله چند همسری را نکوهش می‌کند. با توجه به نقش زنان در تحکیم خانواده و دیدگاه جوامع مختلف نسبت به زنان، این پژوهش در پی آن است که با تکیه بر دیدگاه رئالیستی علی محمد افغانی و نقاشی‌های

نسخه مصور هزارویک شب، سیمای زنان در جامعه ایران را در دوره مورد بررسی قاجار و پهلوی ترسیم کند. به این سؤال‌ها پاسخ داد که آیا شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه بر شخصیت زنان تأثیرگذار است یا نه؟ آیا شرایط فردی و خانوادگی نویسندگان بر روی آثار آنان تأثیر می‌گذارد یا نه؟ عوامل سازگاری یا عدم سازگاری زنان در خانواده چیست؟

با پژوهش‌های انجام شده می‌توان به این امر پی برد که درباره سیمای زن در رمان شوهرآهوخانم تاکنون پژوهشی انجام نشده است، اما پژوهش‌های مشابهی به شرح ذیل صورت گرفته است: قاسمی و جلالی پندار در مقاله «بررسی تیپ شخصیتی شخصیت‌های رمان شوهرآهوخانم» به بررسی تیپ شخصیتی هما، آهو و سیدمیران پرداخته است. با این حال، به صورت مفصل به واکاوی سیمای زن در این اثر نپرداخته است. لذا پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای درصدد بررسی این مسئله است.

۱. نسخه مصور هزارویک شب

هزارویک‌شب، مجموعه‌ای از افسانه‌های کهن عربی، ایرانی و هندی است که اکثر ماجراهای آن در بغداد و ایران می‌گذرد. داستان‌های هزارویک شب، سه دسته هستند. نخست، افسانه‌های باستانی ایران و هند است که هسته اصلی آن را فراهم می‌آورد. دوم، حکایت‌هایی که در دوره اسلامی در بغداد به آن افزوده‌اند. سوم، داستان‌هایی که پس از این تاریخ در مصر به آن اضافه شده است (ستاری، ۱۳۶۸: ۶۲-۶۱). این مجموعه داستانی به سفارش بهمن میرزا، در ۱۲۵۹/ ۱۸۴۳ در تبریز به فارسی برگردانده شد (ذکاء، ۱۳۸۲: ۸۲). یکی از مهم‌ترین کتاب‌های چاپ سنگی که در دوره قاجار مصور شده؛ هزارویک‌شب به تصویرگری میرزا علیقلی خوئی است. کتاب هزار افسان در قرن سوم ه. ق در هنگام نهضت ترجمه به زبان‌های عربی، از زبان پهلوی به عربی تغییر متن داده شد و نام هزار شب یا الف لیله و لیله گرفت. در سال ۱۲۵۹ ق. در زمان محمدشاه به دست عبداللطیف طسوجی به فارسی ترجمه شد و میرزا محمدعلی سروش اصفهانی اشعاری به فارسی برای داستان‌های آن سروده است که تا زمان ناصرالدین شاه سرایش آن ادامه داشته است. داستان‌های مشروح در کتاب محتوایی جالب را در بر دارد. در بعضی از بخش‌ها طنز و در قسمتی دیگر اخلاق-گرایی دیده می‌شود. داستان‌ها با فراز و فرود پیش می‌روند. گاهی رنگ و بوی سرمستی و خوشگذرانی و گاهی چهره‌ای جدی و عبوس از سلطان و شهرزاد ارائه می‌دهند. شرایط ادب‌پرور دربار قاجاری مهیای تولید نسخه مصور از این متون بود. بنابراین به دستور محمدشاه این کتاب با شیوه چاپ سنگی به طبع رسید. میرزا علیقلی خوئی که در اواسط حکومت فتحعلی‌شاه به متولد شده بود، دوره نوجوانی و جوانی‌اش را مقارن با حکومت فتحعلی‌شاه و پسرش محمدشاه گذراند و در دهه اول حکومت ناصرالدین‌شاه آثار درخشانی از خود برجای گذاشت (صمدی و لاله‌بی، ۱۳۸۸: ۲۰). در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار و به فرمان وی، توسط محمدحسین تهرانی، بازنویسی شد. این اثر در مدت هفت سال ۱۲۷۶/ ۱۸۶۰-۱۲۶۹/ ۱۸۵۳ به سرپرستی صنیع‌الملک و با همراهی گروهی متشکل از سی و چهار نقاش و هفت مذهب و صحاف در مجمع‌الصنایع ناصری نسخه‌برداری شد (پاکباز، ۱۳۸۵: ۱۵۹).

۲. مکتب رئالیسم و رمانتیسیم

حسین پاینده در کتاب «داستان کوتاه در ایران» درباره رئالیسم چنین می‌نویسد: «رئالیسم در ادبیات یعنی گرایش به اینکه همه چیز، همانگونه که در واقعیت هستند، نشان داده شوند. رئالیسم به منزله شیوه‌ای از نگارش است؛ یعنی اجتناب کردن از رمانتیسیم و خیال‌پروری و اسطوره رمانتیسیم به احساسات میدان می‌دهد و خیال‌پروری ما را از واقعیت دور می‌کند. چون رئالیست‌ها واقعیت را اولی‌تر از خیال می‌دانند؛ آن روشی را در داستان‌نویسی می‌پسندند که مستلزم آفرینش شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و مکان‌ها و اشیایی واقع‌نمایانه باشند» (پاینده، ۱۳۸۹: ۲۱).

مکتب رمانتیسیم به بیان احساسات و امور غیرواقعی می‌پردازد. مکتب رئالیسم مکتبی است واقع‌گرا که بیانگر واقعیت‌های ملموس اجتماع است و نباید این دو را مخالف یکدیگر دانست بلکه رئالیسم زائیده رمانتیسیم است. رضا سیدحسینی در کتاب «مکتب‌های ادبی» این نکته را چنین بیان می‌کند: «نمی‌توان رمانتیسیم و رئالیسم را به‌عنوان دو مکتب غیرواقعی و واقعی در برابر هم قرار داد. رمانتیسیم جهان محسوس را کشف کرده‌است و درواقع، سرآغازی برای رئالیسم است» (سید حسینی، ۱۳۹۳: ۲۷۸). نویسنده رئالیست خیالبافی نمی‌کند بلکه آنچه که می‌نویسد واقعیت‌هایی است که نتیجه مشاهدات اوست. «نبوغ نویسنده رئالیست در خیالبافی و آفریدن نیست، بلکه در مشاهده و دیدن است» (همان).

نویسنده واقع‌گرا سفرهای واقعیش به نقاط دوردست نیست، بلکه سفر به شهرها و محله‌های زندگی خودشان است. چون سفر در داخل هر کشور آسان‌تر از سفر به کشورهای دوردست است. رمان‌های نویسنده‌های رئالیست بیشتر شرح و تحلیل شهرها و محله‌های سرزمین خودشان را دربر دارد (همان)؛ مانند داستان شوهر آهو خانم که نویسنده وقایع شهر محل زندگیش (کرمانشاه) را به‌تصویر کشیده است. نویسنده رئالیستی برعکس نویسندگان رمانتیک که به بیان احساسات درونی خود می‌پردازند، نویسندگانی برون‌گرا هستند که احساسات خود را در داستان دخالت نمی‌دهند و حتی خود را به‌عنوان نویسنده در اثر نمایان نمی‌کنند.

۳. ادبیات تطبیقی

تطبیق یا مقایسه، منبعی سرشار از منابع معرفت بشری است. انسان در بررسی‌های مختلف و متنوع خود، مقایسه و تطبیق را راهی برای دستیابی به حقایق اصیل مربوط به حوزه‌های پژوهش خود، برگزیده‌است. برای مثال، محققان در جانورشناسی به مقایسه میان حیوانات مختلف پرداخته و آن‌ها را به انواع و گونه‌هایی طبقه‌بندی می‌کنند. این طبقه‌بندی برپایه ویژگی‌های ذاتی هر یک از گونه‌ها و انواع متفاوت و متنوع استوار است. پژوهشگران در علوم مختلف این راه را رفته‌اند و با این دسته‌بندی به نتیجه‌های روشنی رسیده‌اند که ثمره بررسی‌ها و ژرف‌بینی‌های آنان بوده است (کفافی، ۱۳۸۳: ۱۱).

در ادبیات تطبیقی می‌توانیم به این نکته پی ببریم که شعرا یا نویسندگان در چه اموری با هم اندیشه و عقاید مشترکی دارند که هر کدام در گوشه‌ای از کره زمین به نگارش مطلبی پرداخته‌اند که آن مطالب از جهاتی با هم وجوه مشترکی دارند؛ جالب آن است که آن دو نویسنده یا شاعر بدون اینکه از وجود دیگری مطلع باشند، مطالب و نوشته‌هایشان تا حدود زیادی به هم شبیه است. در ادبیات تطبیقی بیش از هر چیز می‌توان به نقاط وحدت اندیشه بشری پی برد که چگونه اندیشه‌ای در نقطه‌ای از جهان توسط اندیشمندی، ادیبی و یا شاعری مطرح می‌شود و در نقطه دیگر همان اندیشه به گونه‌ای دیگر مجال بروز می‌یابد» (همان: ۸).

در این مورد، این نکته حائز اهمیت است که دو نفر بی‌خبر از یکدیگر به خلق آثار مشابهی بپردازند، آیا می‌توان آن را در موضوع ادبیات مورد مطالعه قرار داد و ادبیات تطبیقی محسوب می‌شود یا نه. خسرو فرشیدورد در کتاب نقد ادبی آن را در رده ادبیات تطبیقی نمی‌داند. آثار مشابهی که بدون رابطه فرهنگی و ادبی بین دو ادب به وجود می‌آید، موضوع بحث تطبیقی قرار نمی‌گیرد، زیرا این مشابهات حاصل شباهت‌ها و مشترکات روحی انسان‌ها با هم است نه ثمره اخذ و اقتباس ادبی ملت‌ها از یکدیگر است. مانند روابط عاشقانه مردم که بین همه انسان‌ها شبیه به هم است و نیاز عاشق و ناز معشوق اختصاص به یک ملت و یک ادبیات خاص ندارد؛ بنابراین بسیاری از همانندی‌های ادبی بر اثر تصادف و توارد به وجود می‌آید نه در نتیجه تأثیر و تأثر (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۸۰۹).

اسماعیل آذر مطالعه چنین آثاری را جزء ادبیات مقابله‌ای دانسته که باید آن را تحت عنوان نقد تطبیقی بررسی کرد. «مطالعه تطبیقی چنین آثاری را می‌توان ادبیات مقابله‌ای نامید و ذیل روش‌های نقد تطبیقی جای داد. برای مثال، مقابله‌ای که بین اشعار جبران خلیل جبران و سهراب سپهری انجام شده و می‌شود، همچنین مباحث تطبیقی میان شعرهای شاملو و آدونیس یا غاده‌السمان و فروغ فرخزاد و ویلیام بلیک و مولوی همه و همه از این قبیل‌اند؛ چراکه ظاهراً هیچ‌گونه ارتباطی بین شعرای نامبرده وجود نداشته و از افکار و آثار یکدیگر بی‌خبر بوده‌اند» (آذر، ۱۳۸۷: ۲۲). در ادبیات تطبیقی ما باید به مقایسه دو اثر ادبی بپردازیم که با دو زبان متفاوت باشد. مثلاً " دو شاعر ایرانی یا عرب را در زمینه یا زمینه‌هایی باهم مقایسه کنیم یا یک نویسنده ایرانی را با نویسنده دیگری مثلاً با زبان انگلیسی یا روسی مقایسه کنیم. اگر هر دو نویسنده یا شاعر هم‌زبان باشند، کار آن‌ها جزء ادبیات تطبیقی محسوب نمی‌شود. حد فاصل میان دو ادبیات در پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، زبان است. تفاوت زبان در اثر ادبی شرط انجام پژوهش‌های تطبیقی در مورد آنهاست. آثار ادبی‌ای که به یک زبان نوشته شده‌اند، از چهارچوب پژوهش‌های تطبیقی خارجند؛ هرچند که متأثر از هم باشند (ندا، ۱۳۹۲: ۱۶).

مقایسه میان دو ادیب که هر دو از زبان مشترک برخوردار باشند، در حیطه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی قرار نمی‌گیرد. مثلاً " مقایسه بین ادبیات عربی در بغداد و ادبیات عربی در اندلس از پژوهش‌هایی است که در چهارچوب ادبیات تطبیقی به‌شمار نمی‌آید. این‌ها پژوهش‌هایی از یک ادبیات در محیط‌های مختلف است نه مقایسه و تطبیق بین دو ادبیات مختلف (کفافی، ۱۳۸۲: ۱۸). اما اگر یک داستان را دو نویسنده به دو زبان مختلف

بیان و مقایسه کنند، آن داستان‌ها را می‌توان جزئی از ادبیات تطبیقی به‌شمار آورد؛ مثلاً اگر داستان عربی لیلی و مجنون را با داستان‌هایی همانند خود در ادبیات دیگر ملل مقایسه کرد یا شاعری از سرزمین دیگر از این داستان متأثر شود و آن را به زبان خویش بسراید، در این صورت، این داستان در چهارچوب پژوهش‌های ادبیات تطبیقی قرار می‌گیرد. همانند کتاب منظومه لیلی و مجنون شاعر ایرانی، نظامی‌گنجوی که با تأثیرپذیری از داستان لیلی و مجنون عربی سروده شده‌است (ندا، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۷).

از آنجاکه شناخت موجب تفاهم می‌شود و تفاهم، دوستی و عشق را موجب می‌گردد، مطالعه در ادبیات تطبیقی یکی از ممتازترین وسائل تفهیم و صلح مابین ملت‌هاست (صفاری، ۱۳۵۷: ۴). پس بررسی ادبیات تطبیقی باید درباره دو زبان متفاوت باشد؛ به طوری که ادبیات یک زبان را با ادبیات زبان دیگر مقایسه کنیم و لازم است که این دو نوع ادبیات با هم برخورد تاریخی نیز داشته باشند، پیوندهای نیرومند و ریشه دار ادبی هنگامی پدیدمی‌آیند که مسبوق به پیوندهای سیاسی یا مناسبات متعدد باشند. بسیاری از ایرانیان و اعراب به فراگیری زبان یکدیگر پرداختند و ادبیات فارسی و عربی از این پیوندها بارور و شکوفا شد (غنیمی، ۱۳۸۲: ۴۳۷).

ادبیات تطبیقی از فنون برجسته در زمینه ادبیات جهان است که به بررسی دقیق و عمیق و ریشه‌یابی همه جانبه آن علاوه بر تنوع بر پژوهش و جلوه‌کردن زیبایی‌های فکری و ذوقی ملل و اقوام گوناگون، جنبه‌های مختلف تأثیرپذیری مثبت و انتقادی آن نیز دارای ارزش شمنندی بسیار است (سجادی، ۱۳۶۹). ادبیات تطبیقی بیانگر ارتباط ادبی ملل گوناگون با یکدیگر است و نشانگر این امر است که ادبیات هر کشوری همچون قطره‌ای از ادبیات کل جهان است.

۴. زندگینامه علی محمد افغانی

علی محمد افغانی متولد ۱۱ دی ماه ۱۳۰۳ در شهر کرمانشاه و نویسنده نخستین رمان واقعی به زبان فارسی (شوهر آهو خانم) است. افغانی عضو سازمان نظامی حزب توده ایران بوده که در سال ۱۳۳۳ دستگیر شده و در دوره پهلوی ۵ سال را در زندان به‌سر برده است. وی هم‌اکنون در آمریکا زندگی می‌کند و سرگرم نگارش به زبان انگلیسی می‌باشد. وی چندی پیش نوشتن زندگینامه خود را به زبان انگلیسی به پایان رسانده است. او سواد را ابتدا در مکتب‌خانه و سپس در مدرسه آموخت، تحصیلات متوسط را نیز در کرمانشاه به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل به تهران رفت. چون قدرت مالی کافی برای ادامه تحصیل نداشت، برای استفاده کردن از مزایای مسکن و کمک هزینه به دانشکده افسری ارتش وارد و پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشکده افسری، چون از فارغ‌التحصیلان ممتاز بود به آمریکا اعزام شد. او در آمریکا فرصتی یافت تا ادبیات زبان انگلیسی را فراگیرد و جهان ادبیات نوین را بشناسد و با دنیای رمان و رمان‌نویسی آشنا شود و به قول خودش، بداند که رمان چیست.

در بازگشت به وطن به سال ۱۳۳۳ ش. توسط مأموران حکومت نظامی در کرمانشاه دستگیر شد. تا انقلاب بهمن ۵۷ در زندان ماند و با انقلاب مردم و سقوط شاه آزاد شد. خود می‌گوید رمان معروف شوهر آهو خانم را در زندان

نوشته است. با سرمایه‌اش کتاب را در دو هزار نسخه منتشر کرد. پیش از انقلاب بارها تجدید چاپ شد. پس از انقلاب نیز بارها در تیراژهای بالای ۱۰ هزار نسخه‌ای منتشر شد.

۵. بررسی تطبیقی سیمای زن در رمان شوهر آهو خانم و نقاشی‌های نسخه مصور هزارویک شب

رمان شوهر آهو خانم یکی از بهترین آثار علی محمد افغانی است که در این رمان نویسنده زندگی یک خانواده کرمانشاهی را در دهه بیست به تصویر می‌کشد و با اشاره به آداب و رسوم؛ اعتقادات مردم و سبک زندگی آن‌ها شاهکاری خلق می‌کند که او را در رده بهترین نویسندگان قرارداده است. این رمان که حوادث آن در سال ۱۳۱۳ و در کرمانشاه روی می‌دهد داستان زندگی دو زن است که افکار و عقاید و موقعیت‌های اجتماعی متفاوتی دارند؛ یکی از آنان همای متجدد و خواهان آزادی است که با ازدواج با سیدمیران سرابی خود را از قید و بند سنت‌ها رها کرده و دیگری آهوی سنت‌گرا است که زندگی آرام و مسالمت‌آمیزی را با سیدمیران شروع می‌کند. آنان در ابتدای زندگی مشترک با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند که با صبر و تحمل بر آن مشکلات غلبه کرده و به نوایی می‌رسند. حتی در اوائل ازدواجشان که مشکل مالی دارند، آهو شبانه به نانوائی رفته و در آنجا به همسرش کمک می‌کند و سیدمیران با تلاش خود و کمک همسرش و فروش نان بیشتر، زندگیش پیشرفت می‌کند و به مرحله ریاست صنف نانوائیان می‌رسد. حتی بعد از اینکه کمی زندگیشان سرو سامان می‌گیرد، آهو با گیوه‌بافی درآمدی کسب کرده و حتی در آن کار استاد می‌شود و شاگردانی می‌گیرد. زن زحمتکشی بود که تا از کار خانه و رسیدگی به بچه‌ها دمی فارغ می‌شد بچه و صله پینه یا کار گیوه‌بافیش را پیش می‌کشید... در گیوه‌بافی او در عین حال، استادکار هم بود که زیر دستش چند تن از دختران خانه‌های دیگر و از جمله زری و رباب دختران خورشید و نقره شاگردی می‌کردند. (افغانی ۱۳۷۲: ۸۱). در نقاشی‌های نسخه مصور هزارویک شب نیز زنان از حداقل حقوق اجتماعی محروم و نگاهی ابزاری به آن‌ها وجود داشت. در تصویر شماره (۱) زنانی ترسیم شده‌اند که به‌عنوان خدمتگزاران دربار فعالیت داشته‌اند.



تصویر ۱: ليله و ليله، میرزا علیقلی خوئی، تهران ۱۲۷۵ ه.ق. مأخذ: (مارزلف، ۱۳۹۰: ۱۶۸).

سیدمیران سرابی که رئیس صنف نانویان است، فردی است مذهبی و خانواده‌دوست که در یکی از محله‌های متوسط کرمانشاه زندگی می‌کند. او دارای دوستان و آشنایان فراوانی است و کلاً "شخصیتی برون‌گرا دارد که در سن پنجاه سالگی با وجود همسر و چهار فرزند با یکی از مشتری‌هایش به نام هما زندی آشنا می‌شود؛ هما که زنی مطلقه و بسیار زیباست، با زیبایی زائدالوصف خود سیدمیران را شیفته خود کرده و سعی می‌کند با تجددطلبیش خود را از پیله‌ای که سنت‌های اجتماعی به دورش تنیده است رها کند. او که زنی بیست‌ویک ساله است پس از طلاق از حاجی بنا نزد میرزا حسن خان ضربی تعلیم رقص می‌بیند و با راننده‌ای البرز نام رابطه برقرار کرده و برای حفظ آبروی خود از سیدمیران درخواست کمک می‌کند. سیدمیران که از ابتدا از سر دلسوزی به هما کمک می‌کند و او را برای مدتی موقت به‌عنوان مهمان به خانه خود برده و به تدریج سخت دلبسته او می‌شود. آهو نیز بدون اطلاع از ماجرا مدت زمان زیادی از این مهمان ناخوانده پذیرایی می‌کند تا اینکه بعدها به واقعیت تلخ ازدواج همسرش با همای بی‌بندوبار پی می‌برد. حقایق تلخ با صدای رسا بیخ گوشش فریاد می‌زد که گلوی مرد مؤمن او پیش مهمان از درآمده گیر کرده است (همان، ۲۳۷). بالاخره سیدمیران بعد از پرسش‌های آهو به او می‌گوید که هما را صیغه کرده‌است: آهو منتظر شنیدن باقی حرف‌های او نشد و حتی نخواست بپرسد به چه مدت صیغه‌اش کرده‌است؛ در آن لحظه به این فکر نبود: خیلی خوب، خدا توفیقت بدهد. بالاخره کار خودت را کردی (همان: ۲۵۸).

بررسی نقاشی‌های نسخه‌ی مصور هزارویک شب و مضمون زن در آن‌ها نشان می‌دهد زن در این دوره محدود به فضای خانه بود و فرصت و اجازه حضور در اجتماع را نداشته است.



تصویر ۲: الف لیله و لیله، میرزا علیقلی خوئی، تهران ۱۲۷۵ ه.ق. مأخذ: (مارزلف، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

آهو برای رهایی همسرش از عشق خانمانسوز هما تلاش‌های بی‌شماری می‌کند که هیچ طرفی از آن نمی‌بندد و همچنان امیدوارانه تن به آن زندگی ملال‌انگیز می‌دهد. آهوی زحمتکش و پاک‌طینت با بردباری و وظیفه‌شناسی به کانون زندگی گرم می‌بخشد و همچنان فرزندانش را زیر پر و بال خود می‌گیرد تا کمبود پدر را احساس نکنند. پدری که در عشق هما اسیر است و با بوالهوسی‌هایش زندگی را به کام‌آن‌ها تلخ کرده و از وظیفه پدری در قبال فرزندانش استعفا می‌دهد و تمام هم و غم زندگی‌های زیبارو می‌شود. آهو که زنی مهربان و همسر دوست است با وجود اینکه همسرش به او ستم ورزیده و دل در گرو دیگری نهاده در برابر دیگران از او جانبداری می‌کند و همچنان او را دوست می‌دارد زیرا به این امر معتقد است که مردان خدای کوچک زنان هستند و اطاعت بی‌قید و شرط از آن‌ها لازم است.

سیدمیران روزبه‌روز عشق و علاقه‌اش به هما بیشتر می‌شود و او را از جانش بیشتر دوست دارد و نیز به خاطر تلاش آهو برای جدایی آن‌ها و برای حمایت از هما، چندبار او را به شدت به باد کتک می‌گیرد. آهو نیز که گویی بی‌مهری‌های همسرش او را صبورتر کرده، چند روزی را به حالت قهر به خانه اقوام رفته و دوباره با وساطت دیگران، به خانه‌اش بر می‌گردد تا اینکه بالاخره تصمیم می‌گیرد نسبت به رفتارهای آن دو بی‌تفاوت باشد. آهو علی‌رغم طبع مالیخولیایی خود که گویی با نشستن و غصه‌خوردن پیمان دوستی همیشگی بسته بود، تصمیم گرفت که از آن پس دیگر نه به شوهر و نه به هما به هیچ کدام اعتنایی نکند و آن‌ها را مطلقاً به حال خود واگذار کرد (همان: ۶۸۶). تصویر شماره (۳) از نقاشی‌های نسخه مصور هزارویک شب نیز زنان را با حجابی کامل در فضای درونی خانه ترسیم کرده است.



تصویر ۳: الف لیله و لیله، میرزا علیقلی خوئی، تهران، ۱۲۷۵ ه. ق. (مأخذ: مارزلف، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

عشق سیدمیران به هما سبب می‌شود که او به تدریج از اعتقادات مذهبی رویگردان شود و به شرابخواری، احتکار و ترک نماز روی آورد و جایگاه و منزلت اجتماعی خود را از دست بدهد. «سیدمیران لبخند افسرده‌ای زد و به طرف اتاق خورشید نظر انداخت. هیچ‌کس جز محمدحسین در آن حدود نبود. پسرک از دیدن آن‌ها که عاشقانه و سرپایی گیلان به هم تعارف می‌کردند، سرش را پایین انداخت و از روی خجلت در پشت جرز ایوان پنهان شد» (افغانی، ۱۳۷۲: ۷۸۵).

هما که پس از طلاق از همسرش در نزد میرزا حسین خان ضربی تعلیم رقص می‌بیند، پس از ازدواج با سیدمیران دو طفلش را رها کرده و از آنان سراغی نمی‌گیرد. او که زنی سرکش است، مطیع همسر نبوده و برخلاف سنن اجتماعی رفتار می‌کند و پس از مسئله کشف حجاب، به راحتی حجابش را کنار می‌گذارد و بدون اجازه سیدمیران به بازار می‌رود: هما پیراهن تازه اش را به تن، کفش پوست‌ماری کوچک و پاشنه‌سناری با جوراب نازک پشت‌نما به پا، کیف چرمی و چتر دسته‌صاف به دست، روی پله ایوان ظاهر گشت. بازوی سفید و زیبای او با ساعت بندطلایی روی مچ از دور خیره‌کننده بود (همان ۵۱۸). زیبایی هما در لباس مد روز دوچندان شده بود؛ به طوری که هر بیننده‌ای را به تحسین وامی‌داشت: به راستی که هما زن نبود، یک نگار حقیقی بود که نغمه‌های افسون‌کننده عشق و مستی را چنان که همه شاهد بودند تا اعماق روح عاشق خود رسوخ داده بود. لباس تازه در زیبایی او همان اثری را داشت که شب و نور فانوس در الماس تراش‌دار (همان: ۵۲۰).

سیدمیران که روزبه‌روز تسلیم خواسته‌های هما می‌شود، به پیشنهاد او و به‌عنوان رئیس صنف نانویان، پس از مسئله کشف حجاب، با او به جشن کشف حجاب می‌رود. عاقبت سیدمیران به خاطر ولخرجی‌ها و بهانه‌گیری‌های هما به تدریج ثروتش را به باد می‌دهد. در یکی از روزها که خالوکرم پسر عموی هما به منزل آن‌ها می‌آید، سیدمیران با او درد دل کرده و در مورد هما می‌گوید: هما همچون بچه‌ای است بهانه‌گیر که دل زیبا پسندش هرچه را که بخواهد مرا وسوسه می‌کند و آن را به دست می‌آورد: «این زن همه چیز را از شور به در کرده است. مثل یک بچه بهانه‌جو است. چشمش می‌بیند و دلش می‌خواهد. جرأت ندارم از جلوی این‌گونه مغازه‌ها رد بشوم. کافی است دل زیبا پسندش به چیزی بگیرد، دیگر برایش مهم نیست که من از کجا بیاورم... انگاری روح یک مادمازل پارسی در جسم یک دختر سفیدچغایی حلول کرده است (همان: ۵۱۵). در پایان داستان که سیدمیران همه ثروتش را به خاطر ولخرجی‌های هما از دست داده، خانه و دکانش را حراج کرده و به طلبکارانش داده است و مقداری پول برای او باقی می‌ماند که با نقشه هما و به دور از چشم آهو که قهر کرده و به روستا منزل یکی از اقوامش رفته است، تصمیم می‌گیرند از کرمانشاه فرار کنند. مقدار اندکی پول برای آهو باقی گذاشته و به گاراژ می‌روند که شهر را ترک کنند، عاقبت همسایه‌ها آهو را از جریان باخبر می‌کنند او نیز به سرعت خود را برای بازگرداندن همسرش به گاراژ می‌رساند و به خود جرأت می‌دهد و با صدای بلند و سرکشی بر مردش می‌خروشد و با رسوایی او را به خانه برمی‌گرداند. سیدمیران منتظر است که هما نیز برگردد اما به او خبر می‌دهند که با راننده اتومبیل که یکی از عشاق سابق اوست، شهر را ترک کرده و به دنبال سرنوشتش رفته است. به این ترتیب او که تمام پول‌های سیدمیران را با خود برده

است، به همراه عاشق چند سال پیش خود به نام البرز راهی همدان می‌شود و سیدمیران نیز می‌رود که یک زندگی از هم پاشیده را به کمک آهو خانم وفادار دوباره از نو بسازد.

نتیجه‌گیری

شخصیت‌های اصلی رمان‌های شوهرآهو خانم تحت ظلم و ستم جامعه مردسالار قرار گرفته‌اند؛ جوامعی که آزادی زنان و علایق و امیال آنان را تحقیرآمیز دانسته و به حقوق آنان کمترین اعتنایی نمی‌کنند. زنان اصلی در رمان شوهرآهو خانم که نقش اساسی در این رمان ایفا می‌کنند، هما و آهو هستند که داستان حول محور جریانات زندگی این دو دور می‌زند. اگرچه از زنان دیگری نام برده شده است اما نقش آنان کم‌رنگ‌تر از این دو می‌باشد. آهو خانم دستمزد وفاداریشان را با بی‌مهری از سوی آنان دریافت می‌کنند. آهو، سیمای واقعی زن زحمتکش ایرانی است؛ زنی که با وفاداری و پاکدامنی مشکلات زندگی همسر را تحمل کرده و کانون خانواده همسر را با مهر و محبت گرم نگه می‌دارد اما دستمزدش از سوی همسر، آوردن هوویی است که همچون بختک چندین سال بر زندگیش سایه می‌افکند. آهو که همسر دوستی از خصوصیات بارز اوست، به خاطر عشق به همسر و به ناچار وجود هوویش را در خانه خود تحمل کرده و سعی می‌کند نسبت به رتق و فتق امور فرزندان، تلاش بیشتری بکند تا آنان کمبود پدر را کمتر احساس کنند. هما زندی نماد زنی تجددگراست که سنت‌شکنی کرده و با زیر پا گذاشتن رسوم کهن و سوء استفاده از همسرش سیدمیران، پیوسته سعی می‌کند خود را در معرض نمایش به دیگران قرار دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در نقاشی‌های نسخه‌ مصور هزارویک شب، زنان به تدریج جای خود را در نقاشی باز کرده البته زن همچنان در محیط خانه فعالیت دارد و مجالی چندانی برای حضور در اجتماع ندارد. در نقاشی‌های نسخه‌ مصور هزارویک شب نیز از نظر تاریخی مربوط به دوره قاجار است، زن از وضعیت مناسبی در جامعه برخوردار نیست.

منابع

کتاب‌ها

- آذر، اسماعیل. (۱۳۸۷). ادبیات ایران در ادبیات جهان. چاپ اول. تهران: سخن.
- افغانی، علی محمد. (۱۳۷۲). شوهر آهو خانم. تهران: نگاه.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۹). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز. تهران: زرین و سیمین.
- پاینده، حسین. (۱۳۸۹). داستان کوتاه در ایران. چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- ذکاء، یحیی. (۱۳۸۲). زندگی و آثار استاد صنیع‌الملک. تهران: میراث فرهنگی.
- ستاری، جلال. (۱۳۶۸). افسون شهرزاد. تهران: توس.
- سجادی، سید جعفر. (۱۳۶۹). ادبیات تطبیقی ایران و عرب. تهران: مؤلفان و مترجمان ایران.
- سید حسینی، رضا. (۱۳۹۳). مکتب‌های ادبی. چاپ هجدهم، تهران: نگاه.
- صفاری (صورتگر)، کوب. (۱۳۵۷). افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی در ادبیات انگلیسی. تهران: دانشگاه تهران.
- صمدی، هاجر و لاله‌ئی، نعمت. (۱۳۸۸). تصاویر شاهنامه فردوسی به روایت میرزا علیقلی خوئی. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- غنیمی‌هلال، محمد. (۱۳۸۲). ادبیات تطبیقی. ترجمه: سید مرتضی شیرازی. تهران: نشر رضوی.
- کفافی، محمد عبدالسلام. (۱۳۸۲). ادبیات تطبیقی. ترجمه: سید حسین سیدی. چاپ اول. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مگیل، فرانکنورتن. (۱۳۸۸). شاهکارهای ادبی جهان. مترجم: امیر اسماعیل آذر. تهران: سخن.
- ندا، طه. (۱۳۹۲). ادبیات تطبیقی. ترجمه: زهرا خسروی، چاپ سوم، تهران: فرزاد روز.